

سیب هوس



■ آهنگساز و خواننده:
امیر عظیمی
■ ژانر: موسیقی پاپ

«سیب هوس» نام اثری تازه از امیر عظیمی، خواننده و موزیسین موسیقی پاپ است که در سبک پاپ و با چیدمانی ۲۲ قطعه‌ای از جمله «توی آسمون»، «طلوع سرخ»، «معجزه»، «بالم باش»، «مرا ببخش»، «شب و جاده»، «مجنون»، «تسخیر»، «عشق بی احساس» و... ساخته و پرداخته شده است.

جز عشق ندارم هنری



■ خواننده:
سیدمحسن حسینی
■ آهنگساز: احسان عبایی
■ ژانر: موسیقی ایرانی

آلبوم «جز عشق ندارم هنری»، بخشی از قطعات تولید شده توسط گروه موسیقی «نغمه‌گردان» است. ضبط این قطعات از سال ۱۳۹۸ با تلاش، همراهی و مساعدت افرادی چون علی مرادخانی، محمود یگانه‌پور، خانواده تورج نگهبان، سید علیرضا میرعلینقی پژوهشگر موسیقی، میلاد عرفان‌پور، دل‌آرا ابراهیمی نوازنده کمانچه، سیدمحسن حسینی طراح کاور، پویان عبدلی و محمدباقر زینالی صدابردار شکل گرفته و تولید شده است.

پوست



■ آهنگساز:
بامداد افشار
■ ژانر: موسیقی فیلم

افشار برای ساخت موسیقی فیلم پوست برنده سیمرغ بلورین بهترین موسیقی از سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، شد. موسیقی فیلم «پوست» تجربه‌ای است حاصل از تلفیق افسانه‌های ایرانی با موسیقی شمنی و موسیقی ترکمن و ساز و آواز عاشیق ولی عبدی. بامداد افشار به گفته‌ی خودش در تولید این اثر هم از نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم الهام گرفته و هم مشاوره‌ی بهمن و بهرام ارک برایش راهگشا بوده است.

آلبوم خاص، مخاطب خاص

آلبوم‌هایی که مقداری از بدنه جریان موسیقی روز ما فاصله دارند، مخاطبان‌شان خاص‌تر است و خودشان هم حال و هوایی متفاوت از آلبوم‌های جریان روز موسیقی دارند. آلبوم‌هایی مانند همین «به دشت نفتون» که از اساس پایه فکری متفاوتی برای تولید خود دارند، مسلماً از شنیده شدن استقبال می‌کنند اما نگاه تجاری ندارند، دنبال فروش آلبوم و پر کردن صندلی سالن‌های بزرگ کنسرت نیستند و روی ریل خاصی که برای خودشان تعریف کرده‌اند هم پیش می‌روند. نمی‌توان توقع داشت این دسته از آلبوم‌ها بازخورد عجیبی داشته باشند و به قول معروف سروصدایی ایجاد کنند، اما می‌دانیم طرفداران خاص و محدود خود را هم دارند و آن‌ها را راضی می‌کنند. افرادی را که دنبال شنیدن موسیقی و کلامی هستند متفاوت از آن چه صدای غالب روزگارشان در عرصه موسیقی است.

این آلبوم‌ها هم هر چند محدودند و می‌توان آن‌ها را در طیف آلبوم‌های خاص با مخاطب خاص جا داد، اما می‌دانیم خودشان هم انواع مختلفی دارند و با نگاه‌های متفاوتی سراغ موسیقی می‌روند. در همین آلبوم «به دشت نفتون» شاهدیم که گروه چگونه با نگاهی متفاوت سراغ زندگی مردمان می‌رود. زندگی مردمان یک منطقه که فرازونشیب بسیار پشت سر گذاشته‌اند و حافظه‌شان شاید به خاطر نداشته باشد این را که نفت از وقتی سروکله‌اش پیدا شده چه تغییراتی در آن ایجاد کرده است. آلبوم «به دشت نفتون» می‌رود سراغ همین حرف‌ها و دغدغه‌ها، گلایه می‌کند، اعتراض می‌کند، زندگی مردم را روایت می‌کند، شاد و غمگین می‌شود و ریتمی شبیه زندگی واقعی مردمان یک منطقه را در خود جای می‌دهد. همین نکته است که آن را شنیدنی می‌کند. ما با رمان خوبی که در آمریکا نوشته شده هم ارتباط می‌گیریم، هر چند بومی ما نیست، اما بومی انسان‌هاست و رد زندگی و ریتم حرکت همیشه‌گی و طبیعی انسان را در خود دارد، از این روست که با مخاطب خود می‌ماند و همراه یکدیگر می‌شوند.

بر همین اساس است که می‌توان به قطعیت گفت «به دشت نفتون» و آلبوم‌های مشابه آن دارای یک خصیصه مثبت بزرگند، علاوه بر این‌که زنده‌اند و ردی از زندگی دارند، در روند تولید آن‌ها فکری هم حاکم بوده. آهنگساز و نوازنده و خواننده به دنبال تولید یک اثر می‌توانند به قطعیت گفت «به دشت نفتون» و آلبوم‌های مشابه آن دارای یک خصیصه مثبت بزرگند، علاوه بر این‌که زنده‌اند و ردی از زندگی دارند، در روند تولید آن‌ها فکری هم حاکم بوده. آهنگساز و نوازنده و خواننده به دنبال تولید یک اثر موسیقایی نبوده‌اند که صرفاً با ترانه‌های عاشقانه متوسط مخاطب خود را جذب کند، بلکه می‌خواستند حرفی بزنند، حرفی که حتی اگر یک نفر آن را بشنود و درکش کند، راضی‌اش کند و لبخند رضایت بر لبش بنشاند. و البته این آلبوم یک نکته مثبت بزرگ دیگر هم دارد و آن این است که به یادمان می‌آورد در کشورمان اگر بگردیم می‌بینیم هر منطقه‌ای موسیقی‌های دست‌نخورده‌ای دارد که زیبا هستند و در حال فراموشی. می‌توان آن‌ها را صدا زد و دست‌شان را گرفت به دنیای امروز آورد. در جهانی زندگی می‌کنیم که هر چیزی اگر نتواند راه به‌روز شدن را پیدا کرده و خود را از دیروز به امروز برساند، به فراموشی سپرده می‌شود، مسلماً هنرمندان هر جامعه بیش از دیگران می‌توانند دست دیروز را بگیرند و با بیانی درست به امروز گرهش بزنند تا برسد به فردا.

است که به از دست دادن رازها توسط شیطان از اجرام آسمانی سخن می‌گوید.

گروه موسیقی «اتاق» را هم کمی معرفی کنیم. این گروه اواخر سال ۹۵ با سرپرستی بامداد افشار تشکیل شد و آرام آرام اعضای آن شکل گرفت. ژانر موسیقی‌ای که این گروه دنبال می‌کند تلفیقی است از موسیقی الکترونیک و شهری و البته موسیقی فولکلوریک هم یکی از اهداف گروه بوده و هست. در ساخت کارهایشان اغلب پژوهش‌هایی روی موسیقی‌های فولک انجام می‌دهند و «به دشت نفتون» هم ترکیبی از موسیقی الکترونیک و بوشهر است.

مخاطبان آلبوم چه کسانی هستند؟

مسئله مهمه. هر شنونده‌ای می‌تواند در یک اثر خوب و استاندارد چیزی برای شنیدن پیدا کند و «به دشت نفتون» هم چنین اثری است، اما اگر بخواهیم جزئی‌تر بررسی کنیم، باید بگوییم اگر اهل شنیدن آهنگ‌ها و آلبوم‌های فولکلوریک که البته مدرنیزه شده‌اند باشید، «به دشت نفتون» برایتان گزینه بسیار خوبی است. آلبوم سوم گروه اتاق است و مثل دیگر آثارشان ترکیبی از موسیقی فولک و مدرن، آن هم به شکلی که بتواند برای مخاطبان غیر جنوبی هم آشنا باشد و همراه و درگیرشان کند. نگاهی به حال‌وهوا و محتوای ترانه و حس‌وحال موسیقی نشان می‌دهد گروه برای شکل‌گیری این اتفاق تلاش کرده و توانسته به خوبی نی‌انبان را کنار سازهای غربی قرار دهد و اثری شنیدنی خلق کند، آن هم با حفظ فرم و محتوای بومی و پررنگ‌تر نگه داشتن صداها و جنوب.

اما این‌که اثر چقدر برای غیر جنوبی‌ها می‌تواند جذاب باشد هم سوال مهمی است که باید به آن جواب داد. این موضوع را از چند وجه می‌شود مورد بررسی قرار داد، وجه اول ترانه کارهاست که اینجا خیلی به روز نوشته شدند. مثلاً زمانی که در بوشهر و استرالیا آتش‌سوزی اتفاق افتاد، خبرهای زیادی از آن منتشر شد و ترانه بوشهر تا استرالیا بر همین اساس نوشته شد. نمونه دیگر این اتفاق مسئله آب جنوبی‌ها است که حتی قبل از انعکاس آن و اتفاقات اخیر هم در بوشهر و شهرهای دیگر هم وجود داشته و قطعه آندر بئندر براساس اعتراض به این اوضاع نوشته شد. موضوع نفت و موارد دیگر هم از دیگر موضوعاتی‌اند که مخاطبان می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. آلبوم دو قطعه هم درباره موضوع آب دارد، معضلی که مدتی پس از انتشار آلبوم دیدیم گریبان خوزستان را گرفت و معضلات بسیاری هم ایجاد کرد.

فرم هم وجه دیگر بحث کشش است مثلاً قطعه‌ها همیشه براساس فرم خیام‌خوانی‌های موسیقی بوشهر ساخته شده؛ در واقع فرم موسیقی جنوب در قطعات با تغییراتی در تمپو و هارمونی‌هایش وجود دارد و برای همین به گوش مخاطب آشنا است. مسئله دیگر هم این است که از ابتدا قرار بوده تغییر و تنظیم طوری اتفاق بیفتد که مخاطبان غیر جنوبی هم بر مبنای علاقه‌ای که مثلاً به موسیقی اکسپریمنتال، الکترونیک و... دارند با آنها ارتباط برقرار کنند. از همه مهم‌تر اینکه گروه اتاق خیلی تجربه‌گراست و در خلق این آلبوم خیلی جاها ریسک کرده و مشخص است که ابایی هم از ریسک کردن ندارد، اما چرا آن‌ها شجاعانه ریسک می‌کنند و مسیر خودشان را پیش می‌روند؟

می‌توان به قطعیت گفت «به دشت نفتون» و آلبوم‌های مشابه آن دارای یک خصیصه مثبت بزرگند، علاوه بر این‌که زنده‌اند و ردی از زندگی دارند، در روند تولید آن‌ها فکری هم حاکم بوده. آهنگساز و نوازنده و خواننده به دنبال تولید یک اثر موسیقایی نبوده‌اند که صرفاً با ترانه‌های عاشقانه متوسط مخاطب خود را جذب کند، بلکه می‌خواستند حرفی بزنند